

امشبی را شه دین در حرمش مهمان است، مکن ای صبح طلوع

۱۲ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۲۱:۰۳

شب عاشورا، یکی از بهترین شب های است که در حکم شب قدر بوده و در کتاب ها و روایات مختلف به وقایع و اعمال آن اشاره شده است.

در این دو کتاب آمده است:

به روایت کتاب سید بن طاووس

هنگامی که شب عاشورا نزدیک شد، آن حضرت اصحاب کرام خود را جمع فرمود، حضرت سید الساجدین علی بن الحسین علیهما السلام می فرماید: من بیمار بودم، لکن خود را به آنان نزدیک نمودم، تا بشنوم که آن درمانده ی وادی بلا و سردار اهل ابتلا با اصحاب خود چگونه سلوک می فرماید؟!

شنیدم که پدر بزرگوارم افتتاح سخن را به حمد و ثنای الهی و ملک معبود فرمود و طریق شکرگزاری حی و دود پیمود و فرمود:

أما بعد؛ فانی لا أعلم أصحابنا أوفى و لا خيرا من أصحابی، و لا أهل بیت أبر و أوصل من أهل بیته؛ فجزاکم الله (تعالی عنی) خیرا؛

به راستی که من اصحابی را بهتر و باوفا تر از اصحاب خود نمی دانم و اهل بیته نیکوتر و صله کننده تر از اهل بیت خود نمی دانم، پس خدای متعال شما را (از جانب من) جزای خیر دهد.

آگاه باشید که یک روز دیگر زیاده از عمر ما نمانده. من امشب شما را مرخص کردم و بیعت خود را از گردن شما برداشتم بر شما حرجی نیست، اینک ظلمت شب عالم را فراگرفته، آن را غنیمت دانسته هر یک به طرفی بروید.

و لیاخذ کل رجل منکم بید رجل من أهل بیته و تفرقوا فی سواد هذا اللیل، و ذرونی و هؤلاء القوم، فانهم لا یریدون غیره؛

و هر یک از شما دست یکی از اهل بیت مظلوم مرا بگیرید و در این ظلمت شب بروید و مرا بگذارید با این گروه ستمکاری که آنان همه به جهت کشتن من جمع شدند، چرا که آنان غیر از مرا نمی خواهند.

شب عاشورا و اعلام وفاداری بنی هاشم برای یاری امام حسین

در این هنگام برادران، فرزندان، برادرزادگان و اولاد عبدالله بن جعفر - که خواهرزاده ی آن حضرت بودند - زبان معذرت گشودند. جناب عباس علیه السلام به سخن درآمده و دیگران از او متابعت کردند، عرض کردند:

لم نفعل ذلک؟ لنبقی بعدک؟ لا أرانا الله ذلک أبدا؛

دست از یاری تو برداریم که بعد از تو زنده باشیم، خدا هرگز نخواهد که بعد از تو زنده باشیم، زندگی دنیا بی تو به کار نمی آید.

آن حضرت فرمود:

یا بنی عقیل! حسبکم من القتل بمسلم، فاذهبوا أنتم فقد أذنت لکم؛

ای اولاد عقیل! شهادت مسلم برای شما بس است، برگردید، من شما را اذن می دهم، بروید.

آنان جواب گفتند - و به روایت ابن بابویه: عبدالله بن مسلم در جواب گفت -: آیا مردم چه می گویند که ما بزرگ و آقای خود و بنی عم خود را که بهترین بنی اعمام اند، تنها واگذاریم و حتی تیری با ایشان نیندازیم و شمشیر و نیزه بکار نبریم و ندانیم چه بر سر ایشان آمد. به خدا! هرگز چنین نکنیم. و لکن جان، مال و عیال خود را فدای تو خواهیم کرد، تا هر چه بر سر تو آید بر سر ما نیز آید؛ «فقیح الله العیش بعدک».

به روایت کتاب شیخ مفید:

از سیدالساجدین علیه السلام مروی است که حضرت امام حسین علیه السلام در آن شب امر فرمود خیمه های حرم محترم را نزدیک یکدیگر زدند، طناب های آنها را از یکدیگر بیرون برند تا راه تردد مسدود گردد و بر دور آنها خندقی حفر نموده تا از هیزم پر کنند و به فرزند مظلومش علی اکبر علیه السلام امر فرمود که با جمعی به سوی فرات رفته مشکی چند آب بیاورند.

آن والا مقام با بیست سوار و بیست پیاده به سوی فرات رفتند و با نهایت خوف، چند مشکی آب آوردند.

حضرت فرمود: از این آب بیاشامید که آخرین توشه ی شماست و غسل کنید و جامه های خود را بشویید که کفن شما خواهد

بود. (امالی شیخ صدوق: ۲۲۱ مجلس ۳۰)

آه! آه! چه گوئیم؟ آن جامه هایی که پوشیده بودند و به جای کفن های خود اختیار فرموده بودند؛ در روز عاشورا با این که از چوب و نی و شمشیر و ناوک تیر، پاره پاره شده و به خون و خاک آغشته شده بودند، آنها را نیز از آن شهیدان مضایقه کردند و از بدن پاره پاره ی ایشان کردند و آن ابدان لطیفه و اجساد شریفه را عریان و برهنه بر روی خاک انداختند، تا از شدت حرارت آفتاب پژمرده گردیدند.

بأبی الجسوم العاریات علی الثری

پدر و مادرم به فدای آن بدن های برهنه ای باد که بر زمین افتاده بودند و برای آنها جز غبار و خاک، ساتری نبود.

بأبی الجسوم الضایعات وحیده

ما انسها الا وحوش قفار

پدر و مادرم به فدای آن بدن های شریفه ای که آنها را ضایع کرده و تنها گذارده بودند و انیسی برای آنان جز وحشیان صحرا نبود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۲۶۹/طلوع-صبح-مکه-مهمان-حرم-مشهد-دین-شهر-امشب>